

کیهان برزگر*

برنامه تسلیحاتی اتمی پاکستان

دولت پاکستان در ۲۸ و ۳۰ می ۱۹۸۸، دست به آزمایش تسلیحاتی اتمی زد. این امر نشانه کنارگذاشتن سیاست مبهم تسلیحاتی اتمی این کشور بود که از دهه ۱۹۸۰ اتخاذ شده بود. در چارچوب این سیاست، پاکستان نه تنها فعالیتهای تسلیحاتی خود را انکار نکرد، بلکه حتی فراگیری آنرا به منظور دستیابی به تسلیحات اتمی آشکار ساخت. در واقع اقدام پاکستان در این زمینه واکنشی در برابر آزمایشات اتمی ۱۱ و ۱۳ می توسط هندوستان بود که تصمیم آن از سوی بوروکراسی نظامی و غیرنظامی و دانشمندان اتمی، اتخاذ شد و بنابراین رهبری سیاسی پاکستان در اتخاذ این تصمیم تنها نقش حاشیه‌ای داشتند. به دنبال این آزمایشات پاکستان خود را به عنوان یک کشور اتمی مطرح کرد، به نحوی که نواز شریف نخست وزیر پاکستان اظهار داشت: «مهم نیست ما به عنوان یک قدرت تسلیحاتی اتمی شناخته شویم یا نشویم، چرا که به هر حال ما یک قدرت اتمی هستیم»^۱

تصمیم پاکستان به آزمایش توانایی اتمی خود، نقطه چرخش مهمی در برنامه اتمی این کشور به حساب می‌آید. پیش از این هیچ نشانه‌ای از سوی پاکستان مبنی بر تمایل به تسلیح و به کارگیری تسلیحات اتمی و سیستم‌های پرتاب وجود نداشت و در واقع تصمیم گیرندگان پاکستانی با سه انتخاب روبرو بودند: اول- اتخاذ یک حالت آشکار تسلیحاتی شامل توسعه، تجمع و استقرار تسلیحات اتمی و سیستم‌های پرتاب؛ دوم- حفظ وضعیت جدید به وجود آمده، به معنای حفظ

* دکتر کیهان برزگر محقق رشته روابط بین الملل و کارشناس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه می‌باشند.

آشکار توانایی اتمی بدون راه حل استقرار تسلیحات اتمی و سیستم‌های پرتاب؛ سوم- کنار گذاشتن برنامه تسلیحاتی اتمی و پذیرش رژیم بین‌المللی منع گسترش تسلیحات اتمی. البته تصمیم در مورد پذیرش یا امتناع از هر یک از این راه‌ها به متغیرهای متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی دارد.

عوامل منطقه‌ای، خصوصاً روابط پاکستان با هندوستان، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری اتمی اسلام‌آباد دارند به نحوی که از ابتداء نیز، سیاست اتمی پاکستان با تمرکز بر وجود تهدید از ناحیه هندوستان همراه بوده است. همچنین رقابت در مسائل حیثیتی در برابر هندوستان نیز در این جهت‌گیری نقش مهمی را ایفا کرده است.^۲ همچنین تحولات بین‌المللی و نقش متغیر بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای نیز در این جهت‌گیری مؤثر بوده و هستند. مسایلی چون، اتحاد رسمی و غیررسمی با ایالات متحده، ارتباط نظامی پاکستان با چین و تأثیر جنگ سرد و محیط بعد از جنگ سرد بر آسیای جنوبی نیز از جمله این عوامل هستند.

عوامل داخلی نقشی انتقادی در اتخاذ یا امتناع از راه حل اتمی پاکستان دارند. نقش مستقیم یا غیرمستقیم حاکمیت، نمایندگی ضعیف دولتها و رهبری سیاسی بی‌صلاحیت و ناهماهنگ، سبب شده‌اند تا کنترل دائمی عوامل نظامی بر سیاستهای امنیتی، از جمله برنامه تسلیحات اتمی، تداوم یابد. در واقع سیاستهای امنیتی نظامی با توجه به خصومت‌های سنتی و تصور تهدید از ناحیه هندوستان و همچنین تمایل به در اختیار داشتن نیروهای متعارف و اتمی برای مقابله با این تهدید در نظر گرفته می‌شوند.

این تفسیر از امنیت، منافع سازمانی نیروهای نظامی را نیز از طریق مشروع جلوه دادن یک ارتش بزرگ و افزایش هزینه‌های دفاعی، تأمین می‌نماید. به علاوه همبستگی میان نیروهای نظامی دیوان سالاری غیرنظامی، از جمله تشکیلات علمی اتمی و وابسته به آنها، پیش از این نقش رهبری سیاسی را در فرایند تصمیم‌گیری اتمی به حاشیه رانده است. تصمیم پاکستان به آزمایش تسلیحات اتمی در می ۱۹۹۸، عمدتاً تحت تأثیر وضعیت منطقه‌ای توسط ارتش و دیوان سالاری غیرنظامی و در هماهنگی با رهبری سیاسی اتخاذ شد. انجام آزمایشهای اتمی منجر به تحریم‌های بین‌المللی شد که به دنبال خود بحرانهای اقتصادی بی‌سابقه‌ای را در پاکستان

به وجود آوردند.^۳ تأثیر بروز بحران در روابط با هندوستان، انزوای بین‌المللی، اقتصادی متزلزل و توازن قدرت داخلی بر انتخاب راه‌حل اتمی پاکستان در محیط آسیای جنوبی تأثیرگذار می‌باشد.

این مقاله به بررسی پیشینه فعالیت‌های اتمی پاکستان می‌پردازد و سعی در شناسایی نقش عوامل داخلی، منطقه‌ای و متغیرهای بین‌المللی در تعیین مراحل تصمیم‌گیری راه‌حل اتمی پاکستان دارد. بخش اول تا چهارم به بررسی عناصر کلیدی در چرخش پاکستان به سوی برنامه تسلیحات اتمی و انگیزه‌هایی می‌پردازد که منجر به انتخاب راه‌حل اتمی از ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۸ شده‌اند. بخش پنجم تأثیر تغییرات محیط داخلی و خارجی را بر برنامه اتمی پاکستان مورد بررسی قرار می‌دهد و نهایتاً بخش ششم به بررسی حوادثی می‌پردازد که منجر به انجام آزمایشات اتمی در می ۱۹۹۸ شد. در نتیجه‌گیری نیز به برخی ملاحظات در مورد آینده برنامه اتمی پاکستان پرداخته می‌شود.

آغاز سیاست‌های اتمی پاکستان

آغاز برنامه تسلیحات اتمی پاکستان به زمان ذالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر سابق پاکستان و تصمیم او مبنی بر انتخاب راه‌حل اتمی برای مقابله با تهدید هندوستان در سال ۱۹۷۲ بر می‌گردد. البته سابقه خصومت بین دو کشور به سال‌های قبل از آن، یعنی از سال ۱۹۴۷ برمی‌گردد که دولت بریتانیا امپراطوری هند بریتانیا را به دو کشور مستقل تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی منجر به مهاجرت گسترده هندوها و مسلمانان در طول مرزهای پاکستان شد و حاصل آن نیز صدها هزار کشته، اختلافات اقتصادی و نظامی در مناطق تقسیم شده و اختلافات ارضی، و برخوردهای نظامی در سال ۱۹۴۸ بر روی منطقه کشمیر است که اکثریت ساکنین آنرا مسلمانان تشکیل می‌دهند.

در نتیجه این تحولات، بذر عدم اعتماد و خصومت بین دو کشور کاشته شد. به طور کلی روند استقلال با اعتراضات مختلف سیاسی، اقتصادی و استراتژیک از سوی پاکستان همراه بود. این اعتراضات را بیشتر می‌توان ناشی از منافع الیت حاکم تلقی کرد. به این معنی که اگر

چه حزب مسلم لیگ حکومت را تشکیل داد، اما این حزب پایگاه نفوذ محدودی در مناطقی داشت که امروزه کشور پاکستان را تشکیل می دهد. از اوایل ۱۹۵۱، دستگاه دیوان سالاری نظامی که از دوران حاکمیت بریتانیا به ارث رسیده بود بر رهبری سیاسی مسلط شد. زمانی که این بوروکراسی کشور را اداره می کرد، دستگاه نظامی با حمایت دیوان سالاری طرفدار غرب و دیوان سالاری غیرنظامی ضدهندی، سیاستهای امنیتی را کنترل می کرد و برای مقابله با تهدید هندوستان به ائتلاف با خارجیان تکیه داشت.

موقعیت ژئواستراتژیک پاکستان - یعنی مجاورت با چین کمونیست و اتحاد شوروی و غرب آسیا - همراه با روحیه ضد کمونیستی نظامیان، این کشور را به عنوان متحدی طبیعی برای ایالات متحده در چارچوب سیاست محاصره اتحاد شوروی در دهه ۱۹۵۰ در آورد. به همین دلیل پاکستان به صورت دریافت کننده عمده تسلیحات متعارف از ایالات متحده برای مقابله با تهدید هندوستان درآمد.^۴ همچنین کمکهای نظامی و اقتصادی ایالات متحده، تشکیلات نظامی را در این کشور گسترش داد، ضمن اینکه موضع دولت را در مقابله با گروهها و بازیگران رقیب داخلی تقویت کرد.^۵

شواهد اندکی مبنی بر وجود فعالیتهای اتمی پاکستان در دهه ۱۹۵۰، یعنی زمانی که رهبری پاکستان، ارتباطات دفاعی خود با غرب را تثبیت کرد و سیاست گسترش و افزایش تسلیحات متعارف خود را تشدید نمود، به چشم می خورد و فقط تلاشهایی در جهت دستیابی به انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز وجود داشت. به همین منظور، «کمیسیون انرژی اتمی پاکستان» PAEC* در سال ۱۹۵۷ یک راکتور تحقیقاتی اتمی را به منظور آموزش دانشمندان اتمی تأسیس کرد. این تحول در واقع سرآغاز برنامه های اتمی پاکستان محسوب می شود.

تجدید نظر در دستیابی به تسلیحات اتمی

در سال ۱۹۵۸، ژنرال «محمد ایوب خان» فرمانده ارتش پاکستان با حمایت دیوان سالاری غیرنظامی و به دلیل نارضایتی از کنترل غیرمستقیم نظامیان بر دولت، قدرت را

*Pakistan Atomic Energy Commission

به دست گرفت و حزب خود، «مسلم لیگ» را به حکومت رساند. تحت حکومت مستقیم ایوب خان، ارتش سیاستهای دفاعی و امنیتی را طبق منافع سازمانی و برداشتهای خود برنامه ریزی کرد. در طول این دوران ارتش معتقد بود که تسلیحات متعارف برای حفاظت از امنیت پاکستان جهت مقابله با تهدید هندوستان کفایت می کند. بنابراین، برنامه تسلیحات اتمی پاکستان منحصراً به سوی مقاصد صلح آمیز در حرکت بود. به همین دلیل تنها راکتور تحقیقاتی پاکستان با کارخانه نیروی اتمی آب سنگین و اورانیوم طبیعی مستقر در کراچی، تحت نظارت فراگیر آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داشت. اما هم زمان تیره شدن روابط پاکستان با هندوستان و ایجاد فضای بدبینی و سوءظن بین دو کشور در دهه ۱۹۶۰، جهت برنامه اتمی پاکستان تغییر یافت. در درون جامعه، حکومت نظامیان خصوصاً از بخش شرق یعنی از ناحیه ایالت سند، مورد مخالفت قرار گرفت. همچنین اتخاذ سیاستهای یک جانبه اقتصادی که بیشتر در جهت منافع پاکستان غربی (قبل از تبدیل بخش شرقی به کشور بنگلادش) خصوصاً ایالت پنجاب قرار داشت، واکنش هایی را برانگیخت.

برای انحراف افکار داخلی، ارتش بار دیگر در سال ۱۹۶۵ سعی کرد تا منطقه کشمیر را از تسلط هندوستان خارج کند. اما زمانی که نظامیان هیچ گونه امتیازی از این لشگرکشی به دست نیاوردند، ناآرامیهای داخلی تشدید شد. تنش ها وقتی بیشتر شد که آشکار گردید، قرارداد صلح پاکستان با هندوستان در تاشکند در سال ۱۹۶۶، هیچ گونه امتیازی برای پاکستان در مسئله کشمیر در پی نداشته است. به همین دلیل، همچنانکه محبوبیت رژیم کاهش می یافت، وزیر خارجه ایوب خان، «ذوالفقار علی بوتو» تلاش کرد تا با اتخاذ موضعی شدیداً ضد هندی، قدرت سیاسی در پاکستان را در دست گیرد. بوتو که به داشتن مواضع شدیداً ضد هندی شهرت داشت، در سال ۱۹۵۸، به عنوان وزیر نیرو و انرژی و رئیس سازمان انرژی اتمی، از ایوب خان درخواست کرده بود تا فعالیت خود را به منظور دستیابی به تسلیحات اتمی آغاز کند. اما ایوب خان از قبول توصیه بوتو بر این اساس که اگر پاکستان نیاز به توانایی های اتمی داشته باشد، می تواند آن را در خارج از قاره، از جمله از متحدین غربی این کشور خریداری کند، امتناع کرد.

جنگ پاکستان و هندوستان در سال ۱۹۶۵، نقطه چرخش مهمی در برنامه تسلیحات اتمی پاکستان محسوب می شود. بعد از جنگ و هم زمان با تحریم تسلیحاتی دو کشور از سوی ایالات متحده، تعادل تسلیحات متعارف بین دو کشور، به نفع هندوستان تغییر جهت یافت. هم چنین با تنش زدایی در روابط آمریکا و اتحاد شوروی، اهمیت پاکستان به عنوان یک عامل استراتژیک برای ایالات متحده به تدریج کاهش یافت. با توجه به این تحولات، روابط پاکستان با چین در اواسط دهه ۱۹۶۰، نزدیک تر شد، به نحوی که چین به سرعت به صورت یکی از عمده ترین عرضه کنندگان تسلیحات متعارف به پاکستان مطرح شد. البته بخش های بانفوذی در درون ارتش پاکستان معتقد بودند که تسلیحات چینی کمیت و کیفیت لازم را برای متعادل کردن برتری تسلیحات متعارف هندوستان، ندارند.

با توجه به این مسائل، بوتو (وزیر امور خارجه آن زمان) که به این نتیجه رسیده بود که هندوستان سریعاً در مسیر دستیابی به توانائیهای اتمی قرار دارد، تلاشهایش را برای دستیابی به توانائیهای اتمی، مجدداً آغاز کرد. در سال ۱۹۶۶، بوتو اعلام کرد اگر هندوستان به بمب اتمی دست یابد، «حتی اگر پاکستانیها مجبور به خوردن علف هم باشند، بمب اتمی می سازند»^۶ مواضع بوتو، مخالفت های داخلی نسبت به ایوب خان را افزایش داد. بدین ترتیب حمایت های داخلی از سیاست های بوتو در جهت دستیابی به تسلیحات اتمی، مواضع ایوب خان را آسیب پذیر کرد. به عنوان مثال خودداری پاکستان از امضاء قرارداد «منع گسترش تسلیحات اتمی»^{*} NPT، در سال ۱۹۶۸ که منجر به خودداری هندوستان از امضای آن شد، مصداقی است که تغییر جهت آشکار در مواضع داخلی پاکستان را نمایان می سازد. بعد از شکست پاکستان در جنگ ۱۹۷۱ با هندوستان، سیاست دستیابی به توانائیهای اتمی در رأس سیاست پاکستان قرار گرفت.

اتخاذ سیاست دستیابی به تسلیحات اتمی

با استقلال بخش شرقی پاکستان با نام، بنگلادش در دسامبر ۱۹۷۱ که در نتیجه یک

*Nuclear Nonproliferation Treaty

منازعه داخلی خونین برای استقلال از دولت فدرال به وجود آمد و مورد حمایت هندوستان نیز قرار گرفت، مواضع «یحیی خان» جانشین ایوب خان که مسئول این افتضاح به حساب می آمد، شدیداً در درون ارتش تضعیف شد. این امر سبب شد تا بوتو به عنوان نخست وزیر قدرت را در پاکستان به دست گیرد. جنگ ۱۹۷۱، خصومت پاکستان نسبت به هندوستان و تصوراتش از عدم امنیت را تقویت کرد. در واقع رهبری پاکستان معتقد بود که ایالات متحده در طول جنگ از ارسال کمک به پاکستان ناتوان بوده و شکست خورده است. این در حالی بود که هندوستان مورد حمایت گسترده ای هم از لحاظ روحی و هم از لحاظ کمک های نظامی از سوی متحدش یعنی اتحاد شوروی، قرار گرفت.

در سطح داخلی، بوتو با چالشی دوگانه مربوط به خلق هویتی جدید برای ملتی زخم خورده و نجات اعتبار ارتش (که هنوز از لحاظ سیاسی قدرتمند بود) در نتیجه با شکست در جنگ روبرو شد. برای رویارویی با این چالش، او برای کسب حمایت مردم سعی در به کارگیری روحیه ملی گرایی، ضدامپریالیستی و ضدهندی کرد تا در سایه آن برنامه گسترش نیروهای نظامی را به پیش برد. به همین منظور بوتو با حمایت ارتش و دیوان سالاری غیرنظامی در مارس ۱۹۷۲، برنامه تسلیحات اتمی را آغاز کرد.^۷ نقطه عطف دیگر در چرخش پاکستان به سوی دستیابی به تسلیحات اتمی زمانی بود که هندوستان در می ۱۹۷۴، اولین بمب اتمی خود را منفجر کرد. این جریان سبب شد تا پاکستان برای دستیابی به تسلیحات اتمی مصمم تر شود.

بلافاصله بعد از انفجار اتمی هندوستان در ۱۹۷۴، دولت پاکستان برنامه دستیابی به تسلیحات اتمی را جدا از پروژه قبلی (PAEC) آغاز کرد. البته این دو برنامه ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشتند و به همین دلیل دانشمندان آموزش دیده از پروژه قبلی به پروژه جدید انتقال یافتند و دیوان سالاری ارشد نیز فعالیتهای آنها را هماهنگ می کردند. برنامه جدید به ریاست «عبدالقادر خان» مهندس ذوب فلزات هدایت می شد. بوتو به قادر خان مأموریت داد تا وظیفه غنی سازی اورانیوم و تبدیل آنها به گریدهای تسلیحاتی را به عهده گیرد. قادر خان که قبل از این در کارخانه غنی سازی اورانیوم «آلملو ALMELO» در هلند فعالیت داشت، تکنولوژی و

برنامه‌های کاری لازم برای انجام این امر را ارائه داد.^۸ هم‌زمان دیوان سالاری غیرنظامی و جاسوسان نظامی شبکه‌ای مخفی به منظور دستیابی به تکنولوژی ضروری جهت غنی‌سازی اورانیوم از منابع اروپایی غربی تأسیس کرده بودند.

البته بوتو قبل از انجام آزمایش اتمی هندوستان، در سال ۱۹۷۳، باب مذاکرات با فرانسه را جهت خرید کارخانه تجدید فرآیند غنی‌سازی پلوتونیوم که ظاهراً در جهت مقاصد صلح‌آمیز بود، باز کرده بود. در سال ۱۹۷۶، حکومت پاکستان ادعا کرد که هدفش از تأسیس تعداد زیادی از کارخانه‌های انرژی اتمی، کمک به نیازهای انرژی پاکستان است. با این حال، پاکستان منابع تکنولوژیکی و اقتصادی نداشت که ایجاد چنین زیرساخت‌های گسترده اتمی را توجیه کند. به همین دلیل برای دولت آمریکا روشن بود که استخراج پلوتونیوم به منظور دستیابی به اهداف نظامی است.

از اواسط دهه ۱۹۷۰، ایالات متحده که نسبت به فراگیری تواناییهای اتمی کشورهای متخاصم جهان سوم (همچون لیبی) نگران شده بود، در روش خود نسبت به انتقال تکنولوژی اتمی تجدیدنظر کرد. هراس ایالات متحده از تولید و تکثیر افقی تسلیحات اتمی با انفجار اتمی هندوستان در سال ۱۹۷۴ و همچنین فروش قریب الوقوع کارخانه تجدید فرآیند اتمی از سوی فرانسه به پاکستان تقویت شد.^۹ در واکنش به این نگرانی، کنگره آمریکا در سال ۱۹۷۶ «قانون سمینگتون»^{*} را به تصویب رساند که قرارداد همکاری امنیتی بین المللی و کنترل بر صدور تسلیحات بود. این قانون از ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به هر کشوری که به واردات تکنولوژی تجدید فرآیند تسلیحات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم اقدام می‌نمود، جلوگیری می‌کرد. متعاقب آن آمریکا از پاکستان و فرانسه درخواست کرد تا معامله کارخانه تجدید فرآیند تسلیحات اتمی را لغو کنند. با این وجود، سیاستگذاران پاکستان که متعهد به پی‌گیری راه حل تسلیحات اتمی بودند، برای مقابله با فشارهای خارجی، مبارزات دیپلماتیک را به منظور مجاب کردن جامعه بین المللی نسبت به مقاصد صلح‌آمیز فعالیت‌های اتمی خود و به منظور برجسته کردن تصورات تهدید از ناحیه هندوستان، آغاز کردند. هم‌زمان

* Symington Amendment

پاکستان متعهد به حمایت از خلع سلاح اتمی منطقه ای در میادین بین المللی شده و خصوصاً خواستار تأسیس منطقه ای عاری از تسلیحات اتمی در جنوب آسیا گردید.

به دنبال این تحولات، بوتو ارتباط نزدیک خود با لیبی را قطع کرد و از لفاظی های ضدامپریالیستی خود دست برداشت. اما این سیاستها او را نزد سیاستگذاران آمریکا محبوب نکرد. در آگوست ۱۹۷۶، هنری کیسینجر به منظور منصرف کردن بوتو از دستیابی به تکنولوژی تجدید فرآیند پلوتونیوم، بازدید از پاکستان به عمل آورد. در ۱۹۷۷ سرانجام فرانسه در برابر فشارهای آمریکا تسلیم شد و با لغو فروش کارخانه مورد نظر به پاکستان موافقت کرد. چندی بعد بوتو اعلام کرد که «پاکستان در آستانه دستیابی کامل به توانایی اتمی قرار دارد و تنها به کارخانه تجدید فرآیند اتمی نیاز خواهد داشت».^{۱۰}

در جولای ۱۹۷۷، ارتش به رهبری «محمد ضیاء الحق»، بوتو را از کار برکنار کرد و لذا مجدداً حکومت نظامیان برقرار شد. واقعیت های داخلی، خصوصاً بی اعتنائی بوتو به ارزش های دموکراتیک، پایگاه مردمی او را به تدریج تضعیف کرد و لذا شرایط برای کودتا فراهم شد. برکناری بوتو در واقع نقطه چرخش کلیدی دیگری در برنامه تسلیحات اتمی پاکستان محسوب می شود. بوتو در زندان ضیاء الحق، کیسینجر را متهم به حذف خود کرد، چرا که حاضر نشده بود به خواسته او یعنی صرف نظر کردن از ادامه برنامه تسلیحات اتمی تن در دهد.^{۱۱} برای بسیاری از پاکستانی ها، مخالفت ایالات متحده با خرید کارخانه تجدید فرآیند اتمی، کودتای نظامی و بعداً اعدام بوتو، به طور اصولی به یکدیگر ارتباط داشتند. به طور کلی، برنامه تسلیحات اتمی پاکستان به مترادفی برای حاکمیت و اعتبار ملی تبدیل شد، حتی در مواردیکه منجر به حذف سیاستمداران محبوب و شناخته شده ملی توسط ارتش می گردید.

دستیابی به تسلیحات اتمی

بعد از اعدام بوتو در آوریل ۱۹۷۹، مخالفت های داخلی نسبت به حکومت نظامیان افزایش یافت. بنابراین حکومت نظامیان با مشکل چگونگی حفظ تسلط سیاسی خود بدون از دست دادن بیشتر مشروعیت داخلی مواجه شد. متعاقباً فرماندهی عالی ارتش از تهدید

هندوستان برای به دست آوردن تسلیحات اتمی به عنوان قدرتی متعادل کننده، برای کسب حمایت داخلی استفاده کرد.

تا زمانی که دیوان سالاری غیرنظامی نقش فعالی را از طریق نیروهای وابسته به خود، یعنی تشکیلات علمی اتمی ایفا می کرد، برنامه تسلیحات اتمی تحت کنترل کامل ارتش اداره می شد. دولت ضیاء الحق به منظور گسترش توانایی پاکستان در غنی سازی اورانیوم و تبدیل آن به گریدهای تسلیحاتی از طریق «تکنولوژی سانتریفیوژ»، شبکه وسیع مخفی در اروپای غربی تأسیس کرد. دولت همچنین از راههای موجود برای گریز از قوانین و محدودیت های کشورهای اروپای غربی به منظور دستیابی به تکنولوژی غنی سازی اورانیوم و تجهیزات مورد نیاز از کشورهایی چون آلمان و هلند استفاده کرد.

در این مرحله از برنامه تسلیحاتی اتمی پاکستان، چین به صورت یکی از عمده ترین منابع دستیابی به تکنولوژی اتمی و تجهیزات آن برای مقابله با تواناییهای نظامی هند درآمد. کمک های چین، شامل تسهیلات تبدیل اورانیوم به گریدهای تسلیحاتی، اطلاعات فنی مربوط به غنی سازی اورانیوم و کمک به تأسیس کارخانه غنی سازی اورانیوم «فوق سانتریفیوژ» در «کاهیوتا» Kahuta بود که در اواسط دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد. به علاوه کار بر روی تأسیس کارخانه دوم غنی سازی اورانیوم «هگزافلوراید»^{*} در منطقه «دراغزی خان» در ایالت پنجاب آغاز شد.

پاکستان همچنان برای خنثی کردن فشارهای خارجی سعی کرد تا فعالیت های اتمی خود را مخفی و انکار نماید. در دوران حکومت کارتر، روابط پاکستان با ایالات متحده بدتر شد، به نحوی که ایالات متحده به منظور جلوگیری از برنامه اتمی پاکستان، این کشور را در سال ۱۹۷۹ تحت فشار تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داد. در این دوران، ضیاء الحق به منظور کاهش نگرانی های آمریکا و تقویت ادعاهای پاکستان مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت های اتمی این کشور، اقداماتی همچون، منع گسترش تسلیحات اتمی منطقه ای همزمان با هندوستان، از جمله ورود دو کشور به پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی (NPT) و پذیرش نظارت کامل

* Hexafluoride

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پیشنهاد کرد. البته این پیشنهادات مخاطرات چندانی برای پاکستان نداشت، چرا که هندوستان سیاستهای اتمی خود را به خلع سلاح جهانی مرتبط می‌کرد و با هرگونه رژیم خلع سلاح منطقه‌ای که چین از آن مستثنی می‌شد، مخالفت می‌کرد.

تهاجم شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ نقطه‌چرخش مهم دیگری برای برنامه‌های اتمی پاکستان به حساب می‌آید. در واکنش به مداخله اتحاد شوروی به افغانستان، مخالفت ایالات متحده با برنامه‌های اتمی پاکستان به تدریج ضعیف شد، به نحوی که نهایتاً از بین رفت و واشنگتن بار دیگر بر نقش مهم و استراتژیک پاکستان در منطقه تأکید کرد. به زودی دولت ضیاء به عاملی برای حفظ منافع ایالات متحده در افغانستان تبدیل شد. ایالات متحده خصوصاً در دوران زمامداری ریگان از تحریمهای منع گسترش تسلیحات اتمی چشم‌پوشی کرد و همچنین کمک‌های چشمگیر اقتصادی و نظامی در اختیار پاکستان قرار داد. در نتیجه همین کمک‌ها، ارتش پاکستان عمدتاً کنترل خود بر مخالفان داخلی را تقویت کرد.

در واقع حکومت ریگان آگاهانه از اعتراض به رشد سریع زیرساختهای اتمی پاکستان چشم‌پوشی می‌کرد تا جائیکه حتی ادعا کرد که پاکستان نسبت به منع گسترش تسلیحات اتمی وفادار است. همزمان دولت ریگان گسترش کمکه‌های نظامی و اقتصادی به پاکستان را با این استدلال که ارسال کمکه‌های متعارف نظامی به این کشور از رشد برنامه‌های اتمی پاکستان جلوگیری می‌کند، توجیه می‌کرد.^{۱۲} دولت ریگان حتی از گزارشهای سازمان جاسوسی آمریکا در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ مبنی بر این که چین طرحی به پاکستان برای ساخت یک بمب اتمی با قدرت کم (براساس اطلاعاتی که خود طی ۴ آزمایش اتمی در سال ۱۹۶۴ به دست آورده بود) ارائه کرده، چشم‌پوشی کرد.^{۱۳}

البته کنگره آمریکا بر نگرانیهای خود نسبت به رشد سریع تواناییهای اتمی پاکستان تأکید می‌کرد. در سال ۱۹۸۵، کنگره قانون «پرسلر»^{*} را به تصویب رساند که در آن تحریم‌های اقتصادی و نظامی بر ضد پاکستان گنجانده شده بود. در این زمان رئیس‌جمهور

* Pressler Amendment

آمریکا مجبور شد، تضمین دهد که پاکستان نه تنها بمب اتمی ندارد، بلکه تلاشی نیز در جهت دستیابی به آن انجام نمی دهد. در واکنش به تصویب این قانون، ریگان دولت ضیاء را از هرگونه شکافتن و غنی سازی اورانیوم تا حد ۵ درصد، منع کرد. اما حتی زمانیکه پاکستان به توانایی غنی سازی اورانیوم فراتر از حد «۵ درصد U²³⁵» نیز دست یافت، ریگان بازهم تأکید کرد که پاکستان هیچ گونه برنامه تسلیحات اتمی ندارد. بنابراین کمک های نظامی و اقتصادی آمریکا به پاکستان ادامه یافت.^{۱۴} این کمک ها شامل فروش جنگنده- بمب افکن های اف-۱۶ و سیستم های پرتاب تسلیحات اتمی پاکستان در آینده می شد.

تا اواسط دهه ۱۹۸۰، پاکستان که تصور می کرد، حمایت و پشتیبانی آمریکا ادامه خواهد داشت، از ادعای اولیه خود مبنی بر این که برنامه اتمی آن کشور منحصراً برای مقاصد صلح آمیز است، دست برداشت.^{۱۵} در سطح داخلی، مقامات پاکستانی برای توجیه نقش مداخله گرایانه ارتش به عنوان حافظ حاکمیت ملی پاکستان، تصدیق می کردند که برنامه تسلیحات اتمی این کشور با موفقیت هایی همراه بوده است.^{۱۶} در واقع دولت ضیاء با طرح این ادعا که پاکستان به بازدارندگی اتمی دست پیدا کرده، سعی می کرد نقشی بازدارنده در برابر تهدید بالقوه هندوستان ایجاد کند. به عنوان مثال هنگام بروز جنگ در طول مرزهای دو کشور در سال ۱۹۸۷ که در اثر تمرین های نظامی دو کشور آغاز شد، سیاستگذاران پاکستانی استراتژی دوجانبه ای را در پیش گرفتند. بدین معنی که اسلام آباد و دهلی مذاکرات دیپلماتیک را در سطحی بالا به منظور کاهش تنش آغاز کردند و از سوی دیگر پاکستان توانایی تسلیحات اتمی خود را به طور عمومی آشکار کرد.^{۱۷} به طوری که تا زمان کشته شدن ژنرال ضیاء در سانحه هوایی در سال ۱۹۸۸، پاکستان وضعیت خود را به عنوان دولتی که در آستانه دستیابی به تسلیحات اتمی بود، تثبیت کرد.

استمرار دستیابی به تسلیحات اتمی و تغییرات داخلی

کشته شدن ضیاء الحق و متعاقب آن احیاء دموکراسی در سال ۱۹۸۸، تأثیر اندکی بر رهبری سیاسی پاکستان در جهت کنترل برنامه اتمی این کشور داشت، چرا که ارتش

همچنان کنترل خود بر سیاستگذاریهای دفاعی و امنیتی را حفظ کرده بود.^{۱۸} بدین ترتیب با هدایت ارتش و حمایت دیوان سالاری غیرنظامی، برنامه دستیابی به تسلیحات اتمی با شتاب بیشتری ادامه یافت. طبق اظهار نظر «میرزا اسلام بگ» فرماندهی کل ارتش، پاکستان توانایی ساختن یک بمب اتمی تا سال ۱۹۸۸ را به دست آورده بود.^{۱۹} بعد از سال ۱۹۸۸ برنامه موشکهای بالستیک پاکستان نیز با کمک چین برای کسب تکنولوژی ساخت موشکهای بالستیک با بُرد کوتاه و بُرد متوسط که توانایی حمل کلاهک های اتمی را داشته باشند، گسترش یافت. در سال ۱۹۸۹ پاکستان موشکهای بالستیک «هاتف ۱» و «هاتف ۲» با بُرد کوتاه و متوسط ۸۰ و ۱۸۰ کیلومتر را آزمایش کرد.^{۲۰}

با فروپاشی شوروی و تغییراتی که به دنبال آن در ساختار نظام بین المللی پدیدار گشت، برنامه تسلیحات اتمی پاکستان دچار محدودیت هایی شد. پایان جنگ سرد سبب گردید که بار دیگر از اهمیت استراتژیک پاکستان نزد ایالات متحده کاسته شود. این جریان به نوبه خود موجب تجدید نظر آمریکا در سیاستهای خود مبنی بر چشم پوشی از توسعه طرح اتمی پاکستان شد. در ابتداء تصور این بود که به کارگیری ابزارهای قهری می تواند منجر به بی ثباتی در دموکراسی شکننده پاکستان شود. به همین خاطر ایالات متحده صرفاً به پاکستان اخطار کرد که تولید و غنی سازی اورانیوم خود را مخفی نگهدارد. مضافاً این که گواهی ریاست جمهوری برای ۲ سال دیگر امکاناتی برای پاکستان در نظر گرفت. سیاستگذاران پاکستان نیز که مایل به به خطر انداختن کمک های اقتصادی و نظامی آمریکا نبودند، در برابر فشارهای آمریکا تسلیم شدند. در سال ۱۹۸۹، ژنرال «بگ» و «غلام اسحاق خان» رئیس جمهور پاکستان، تصمیم به توقف غنی سازی اورانیوم فراتر از حد ۵ درصد U۲۳۵ گرفتند. با این حال، سیاستگذاران پاکستانی، قصد توقف کامل و همیشگی طرح را نداشتند، چرا که ارتش همواره منافع ناشی از در اختیار داشتن توانایی اتمی را بسیار بیشتر از هزینه های آن در نظر می گرفت.^{۲۱} اما حمایت آشکار ژنرال بگ از دستیابی پاکستان به تسلیحات اتمی، سرعت طرح را تسریع کرد. وی حتی مشورت ظاهری با رهبری سیاسی را نیز کنار گذاشت. به عنوان مثال، بی نظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان، در طول سفری به ایالات

متحده در ژوئن ۱۹۸۹، ادعا کرد که پاکستان از طرح تسلیحات اتمی خود جلوگیری کرده است. لذا زمانیکه منابع آمریکایی تصویر متفاوتی از وضعیت توسعه تسلیحات اتمی پاکستان را به اطلاع وی رساندند، وی کاملاً دچار بهت و حیرت شد.^{۲۲}

در آگوست ۱۹۸۹، ژنرال بگ، بی نظیر بوتورا از نخست وزیری کنار گذاشت و حکومتی شبه نظامی تشکیل داد. به دنبال آن در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۰، نواز شریف به نخست وزیری رسید. با این وجود، ارتش کنترل بر برنامه اتمی را حفظ کرد و حتی استفاده های جدیدی از توانایی تسلیحات اتمی خود پیدا کرد که در واقع همان «دیپلماسی اتمی» بود. در دوران حکومت ضیاء الحق، دولت پاکستان استراتژی تضعیف امنیت هندوستان را از طریق جنگ با حکومت هندی کشمیر به کار گرفت. بنابراین تا ۱۹۹۰، مسئله کشمیر، روابط پاکستان و هندوستان را تا حد یک برخورد آشکار نظامی تضعیف کرد. اما از این زمان، پاکستان با تهدید استفاده از تسلیحات اتمی، در صورت دخالت نظامی هند در خط کنترل کشمیر، ایالات متحده را ترغیب می کرد که در این مسئله میانجی گری کند.^{۲۳} اگرچه بعید به نظر می رسد که پاکستانیها واقعاً قصد استفاده از تسلیحات اتمی را داشته باشند، اما موفقیت آنها در بلوف زدن، علاقه رهبری پاکستان را به ارزش وجود تسلیحات اتمی هم در جهت بازدارندگی و هم به عنوان ابزار چانه زنی سیاسی، تقویت کرد.

بعد از سال ۱۹۹۰، دولت پاکستان سیاست پنهان کاری غنی سازی اورانیوم خود را کنار گذاشت و لذا توانایی تولیدات تسلیحاتی این کشور به سرعت تقویت شد. در اواسط ۱۹۹۰، «جرج بوش» رئیس جمهور آمریکا از تأیید این مسئله که پاکستان دارای تسلیحات اتمی نیست، خودداری کرد و به دنبال آن ایالات متحده تحت قانون «پرسلر» تحریم هایی را علیه پاکستان به کار گرفت که منجر به متوقف شدن تمامی کمک های نظامی و اقتصادی این کشور به پاکستان شد. البته تحریم های آمریکا به چند دلیل تأثیر اندکی بر سیاستگذاران پاکستانی برجای گذاشت: اول- ارتش این واقعیت را درک می کرد که عرضه کمک های نظامی و اقتصادی ترجیحی آمریکا، با توجه به پایان جنگ سرد و کاهش اهمیت استراتژیک پاکستان، دچار محدودیتهایی می شد؛ دوم- از نظر پاکستانیها چنین تحریمهایی تأثیر جدی بر

وضعیت آنها نمی گذاشت، چرا که تحریمهای ایالات متحده، وام ها و کمک هایی را که توسط سازمان های مالی بین المللی از قبیل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی اعطاء می شد، در بر نمی گرفت؛ سوم- به دلیل عدم وجود اتفاق نظر بین المللی بر تحریم تسلیحاتی آسیای جنوبی، پاکستان می توانست سایر کشورهای صنعتی پیشرفته را بری دریافت وام های کوچک و کمک های اقتصادی و همچنین خرید سیستم های پیشرفته تسلیحاتی برگزیند.

همچنانکه که تواناییهای تولید بمب اتمی پاکستان سریعاً رشد می کرد، لحن گفتاری این کشور نسبت به فعالیتهای تسلیحاتی اتمی نیز تغییر می یافت. در ژانویه ۱۹۹۲، «شهریار خان» وزیر امور خارجه پاکستان، در مصاحبه ای با «واشنگتن پست» اعلام کرد که پاکستان به تمامی عناصری که منجر به ساختن سلاح اتمی می شود، دسترسی پیدا کرده است.^{۲۴} این اظهار نظر در واقع پیامی به بازیگران خارجی، خصوصاً ایالات متحده بود که پاکستان کماکان به پیشرفت برنامه تسلیحات اتمی خود پایبند است. در سطح داخلی نیز ارتش اطمینان داد که انتخاب رهبری سیاسی نمی تواند اولویت برنامه اتمی را کنار بگذارد. در سال ۱۹۹۱، نواز شریف در بازگشت از آمریکا از توقف غنی سازی اورانیوم برای گرفتن امتیازاتی، طرفداری کرد. با این وجود، او در مصاحبه ای با «باربارا کروسست»^{*} خبرنگار نیویورک تایمز، تصدیق کرد که وی بدون موافقت ارتش قادر به جلوگیری از برنامه تسلیحات اتمی پاکستان نیست.^{۲۵} در واقع شریف برای بقای خود نیاز به حسن نیت و حمایت ارتش داشت. این امر با برکناری ناگهانی وی از قدرت در سال ۱۹۹۳ و روی کار آمدن مجدد بی نظیر بوتو کاملاً آشکار شد. از آن پس تمامی دولتهای انتخابی و مخالفان سیاسی آنها که از آسیب پذیری خود در برابر ارتش آگاه بودند، به حمایت از اولویتهای ارتش در کلیه مسائل حساس، از جمله برنامه تسلیحات اتمی پرداختند.

به طور کلی اگرچه سیاستگذاران پاکستانی قصدی مبنی بر کنار گذاشتن برنامه تسلیحات اتمی خود نداشتند، اما همگی بر این نکته اتفاق نظر داشتند که باید به نوعی افکار

*Barbara Crossette

بین‌المللی را آرام کرد. به همین دلیل آنها پذیرش قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی از سوی خود را مشروط به پذیرش این قرارداد از سوی هندوستان می‌کردند و از این طریق سعی داشتند تا به جامعه بین‌المللی نشان دهند که متعهد به حمایت از اقدامات منع گسترش تسلیحات اتمی هستند. در چارچوب این سیاست، پاکستان در سال ۱۹۹۶ اعلام کرد که در صورت موافقت هندوستان، این کشور نیز «قرارداد منع همه‌جانبه آزمایش CTBT^{*} را امضاء می‌کند. در واقع پاکستانیها با استفاده از ابزار تهدید بالقوه هندوستان، تنش‌های موجود میان دو کشور را تشدید می‌کردند. ضمن این‌که مانورهای سیاستگذاران پاکستانی تأثیرات معکوس داشت، چرا که اعلام می‌کردند سیاست تسلیحاتی اتمی آنها، وابسته به سیاستهای اتخاذ شده از سوی هندوستان است.

البته رهبری پاکستان بیشتر نگران قانع کردن ایالات متحده در تغییر قانون «پرسلر» بود تا شعارها و رقابتهای اتمی با هندوستان. مقامات پاکستانی ادعا می‌کردند که نیازهای مشروع امنیتی توجیه‌کننده دسترسی آنها به تواناییهای اتمی است و در واقع چنین تحریمهای تبعیض آمیزی تنها اهرم نفوذ واشنگتن را در چانه زنی با اسلام‌آباد، کاهش می‌دهد. چنین استدلالاتی نسبتاً بر تفکر ایالات متحده تأثیر گذاشت. به عنوان مثال دولت کلینتون، مواضع انعطاف‌پذیرتری اتخاذ کرد و با نگاهی مثبت و تعهد مالی و حرکت‌های مشوقانه سعی کرد هر دو کشور را از ادامه و گسترش برنامه‌های اتمی خود بازدارد. تأکید جدید ایالات متحده بر تعهد مالی در آسیای جنوبی نمایانگر نقطه چرخش دیگری در برنامه تسلیحات اتمی پاکستان است. با رسمیت شناختن نقش محوری ارتش در طراحی سیاستهای اتمی پاکستان، دولت کلینتون مذاکراتی با رهبران سیاسی پاکستان و فرماندهان عالی ارتش انجام داد و به آنها پیشنهاد کمک‌های نظامی و همچنین کمک‌های اقتصادی را داد. در سال ۱۹۹۳، «رابین رافل»^{**} معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور آسیای جنوبی، بازدید از پاکستان به عمل آورد و از طرف کشور متبوعش پیشنهاد تحویل ۲۸ جنگنده اف-۱۶ را که پاکستان

* Comprehensive Test Ban Treaty

** Robin Raphel

قبل از آغاز تحریمها از آمریکا خریداری کرده بود، مطرح کرد. وی همچنین در این بازدید از فروش فلز آلات نظامی به پاکستان سخن به میان آورد.

علی رغم بی میلی پاکستان به توافق، ایالات متحده مذاکره با مقامات ارتش پاکستان را ادامه داد.^{۲۶} تحت قانون «براون»^{*}، ایالات متحده با فروش ۳۶۸ میلیون دلار فلز آلات نظامی پاکستان موافقت کرد.^{۲۷} اعطای امتیازات از سوی ایالات متحده و روش انعطاف پذیر کلینتون از سوی سیاستگذاران پاکستانی به منزله پذیرش عملی وضعیت اتمی هند و پاکستان از سوی ایالات متحده تلقی شد. اما درست زمانی که رهبران آسیای جنوبی علایم مختلطی از سوی آمریکا در زمینه تولید و تکثیر افقی تسلیحات اتمی دریافت می کردند، تعادل و برابری تسلیحات اتمی به طور ناگهانی در سطح منطقه تغییر یافت، چرا که حزب «بهاراتیایا جاناتا»^{**} BJP سیاست مبهم تسلیحات اتمی هند را کنار گذاشت و به سوی سیاست آشکار تسلیحات اتمی قدم برداشت.

آزمایشات اتمی می ۱۹۹۸ و نتایج آن

روابط پاکستان با هندوستان بعد از ملاقات نخست وزیران دو کشور «گوجرال» و نواز شریف و موافقت آنها به انجام گفتگوها در جلسه همکاریهای منطقه ای انجمن آسیای جنوبی در می ۱۹۹۷ در شهر «میل» Male، به طور قابل ملاحظه ای بهبود یافت. چنانچه گوجرال به عنوان وزیر امور خارجه هندوستان در مارس ۱۹۹۷، سیاست بهبود روابط هندوستان با همسایگانش را آغاز کرد. همچنین نواز شریف که قبل از ورود به دنیای سیاست یک تاجر بود، عقیده داشت که بهبود روابط، خصوصاً ارتباطات نزدیک تجاری برای هر دو کشور سودمند است. او در این مورد می گوید: «ما باید از فضای مواجهه و رویارویی بیرون آئیم و از گذشته درسهایی بیاموزیم»^{۲۸} متعاقباً دو کشور در اواسط سال ۱۹۹۷ موافقت کردند تا مذاکرات را در سطح وزرای امور خارجه و بر روی مسائل مورد منازعه، از جمله مسئله کشمیر

* Brown Amendment

** Bharatiya Janata Party (BJP)

برگزار کنند.

با این حال بعد از پیروزی انتخاباتی حزب بهاراتیا جاناتا در آوریل ۱۹۹۸، روند گفتگوها متوقف شد. مخالفت حزب BJP با هرگونه سازش بر مسائل کشمیر و تهدید این حزب بر اتخاذ سیاست آشکار تسلیحات اتمی، منجر به بدتر شدن روابط دو کشور شد. به عنوان مثال این حزب در بیانیه انتخاباتی خود، «قول داده بود که در سیاست تسلیحات اتمی خود تجدیدنظر کرده و سیاستهایی را در جهت دستیابی به آن اعمال خواهد کرد»^{۲۹} البته سیاستگذاران پاکستانی نیز مشترکاً با تأکید و تمرکز بر منازعه کشمیر، مسئول به بن بست کشیده شدن مذاکرات حتی قبل از برکناری حکومت گوجرال بودند. مضافاً ارتش پاکستان تلاشهای شریف برای انجام مذاکرات با هندوستان را تأیید نکرد و بدین ترتیب از فرصت مناسبی برای انجام مذاکرات ممانعت به عمل آورد. لذا حزب BJP که در پاکستان به عنوان حزبی ضدمسلمان و حزب افراطیون هند و شناخته می شود، قدرت را در دهلی بدست گرفت و حکومت تشکیل داد.

در آوریل ۱۹۹۸، فرماندهی عالی ارتش با آزمایش موشک بالستیک «قاری» Ghauri که ادعا می شد توانایی حمل تسلیحات اتمی را داشته و بُرد آن ۱۵۰۰ کیلومتر است، رقابت تسلیحاتی اتمی و موشکی با هندوستان را تشدید کرد. به دنبال آن سیاستگذاران پاکستانی اعلام کردند که تهدیدی که برای پاکستان از ناحیه موشکهای بُرد کوتاه و بُرد متوسط هندوستان متصور بود، در حال حاضر با وجود این موشکها به تعادل رسیده و پاکستان اکنون توانایی حمله به تمامی شهرهای بزرگ هندوستان را دارد.^{۳۰} با وجودی که جامعه بین المللی تلاش می کرد تا از بی ثباتی ناشی از رقابت تسلیحاتی در آسیای جنوبی جلوگیری کند، اما حکومت حزب بهاراتیا جاناتا تصمیم گرفت تا به تعهدات انتخاباتی خود از طریق انجام آزمایشات اتمی جامه عمل بپوشاند.

این تحولات و به دنبال آن، آزمایشات اتمی هندوستان، جامعه بین المللی خصوصاً ایالات متحده را که انتظار نداشت حزب BJP جهت گیری آشکار تسلیحات اتمی را دنبال کند، غافلگیر کرد.^{۳۱} به دنبال آزمایشات هندوستان، ایالات متحده سعی کرد تا پاکستان را اقدام

تلافی جویانه برحذر دارد. در این برهه، سیاستگذاران پاکستانی به منظور سنجش عکس‌العمل جامعه بین‌المللی در ابتداء «سیاست صبر و انتظار» را در پیش گرفتند. در عین حال، آنها همزمان خود را برای انجام آزمایشات تلافی جویانه در منطقه بلوچستان آماده می‌کردند.

به طور کلی در درون دایره سیاستگذاران پاکستانی، کشمکش بین طرفداران اتخاذ جهت‌گیری آشکار تسلیحات اتمی و طرفداران اتخاذ سیاست رسمی و مبهم اتمی، با تلاش دوطرف برای کسب حمایت افکار عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و رادیو و تلویزیون به طور جدی آغاز شد. نواز شریف که از آسیب‌پذیری پاکستان در برابر تحریمهای اقتصادی آگاه بود از انتخاب آزمایش تلافی جویانه سرباز می‌زد. با این وجود، دولت او بین کسانی که با انجام آزمایشات اتمی مخالفت می‌کردند و طرفداران دراز مدت بکارگیری تسلیحات اتمی تقسیم شده بود.

این طرفداران شامل «مشاهد حسین» وزیر اطلاعات، بود که رادیو و تلویزیون را که ابزار قدرتمندی در جهت تأثیرگذاری و نفوذ در افکار عمومی بود در اختیار داشت و همچنین «گوهر ایوب خان» وزیر امور خارجه (پسر ژنرال ایوب خان) فرد دیگری از طرفداران بود. در واقع حمایت ایوب خان ناشی از این طرز تفکر بود که ارتش هنوز هم در تمامی تصمیم‌گیریهای تسلیحاتی اتمی پاکستان نقش مستقیم دارد و لذا پاکستان چاره دیگری جزء انجام آزمایش اتمی ندارد. در اظهارات یک مقام عالی رتبه چنین آمده: «ما هرگز قادر نیستیم نابرابری اتمی خود را تغییر دهیم، مگر این که آزمایش اتمی خود را انجام دهیم».^{۳۲} بنابراین مقابله به مثل تقریباً اجتناب‌ناپذیر بود.

زمانی که حکومت «ناراسیمهارائو»^{*} در اوایل سال ۱۹۹۵، تصمیم به انجام آزمایش بمب اتمی هند گرفت، دولت پاکستان نیز در واکنش به این اقدام هند، تصمیم گرفت بمب اتمی خود را آزمایش کند. با این وجود زمانی که سرویس‌های جاسوسی آمریکا، تدارکات هند در جهت انجام آزمایشات را کشف کردند، حکومت هند تحت فشار آمریکا، مجبور به لغو این

* Narasim haRao

آزمایش شد. اما بعد از این که هندوستان قصد خود مبنی بر انجام آزمایش اتمی را آشکار کرد، پاکستان نیز خود را برای انجام آزمایش تلافی جویانه در سائیتی در صحرای «چاگی» Chagi در جنوب غربی بلوچستان هم مرز با ایران و افغانستان آماده کرد.

پس از انجام آزمایشات می ۱۹۹۸ توسط هندوستان، ایالات متحده، «استروب تالبوت»^{*} معاون وزیر امور خارجه را به منظور جلوگیری از اقدام تلافی جویانه پاکستانیها به این کشور فرستاد. در این مذاکرات دولت آمریکا پیشنهاد تشویق های اقتصادی و نظامی، شامل لغو قانون «پرسلر» را به پاکستان مطرح کرد. در عین حال مقامات آمریکایی به پاکستان اخطار دادند که اگر به آزمایش بمب اتمی دست زند، تحریمات اقتصادی بر ضد این کشور اعمال خواهد شد.

به دنبال آن در گفتگوی تلفنی نواز شریف با کلینتون، نخست وزیر پاکستان به تحت فشار بودن شدید و همچنین محدودیت انتخاب خود اشاره کرد. طبق اظهارات نواز شریف هرگونه تصمیم گیری در این زمینه خارج از کنترل وی بود و تصمیم نهایی بستگی به فرماندهی عالی ارتش داشت.^{۳۴} اما تنها عملی که وی می توانست انجام دهد، فراهم آوردن مدارک ملموسی برای ارتش بود که نشان دهد انجام این آزمایش شدیداً منافع پاکستان را به خطر می اندازد. با این وجود، واکنش جامعه بین المللی نسبت به آزمایشات اتمی هند، مواضع نواز شریف را تضعیف کرد. هرچند ایالات متحده، تحت قانون «گلن»^{**} تحریم های اقتصادی و نظامی را بر ضد هندوستان اعمال کرد، اما اعضای دیگر شورای امنیت سازمان ملل و «گروه ۸» صرفاً آزمایشات اتمی هند را محکوم کرده و از اعمال سیاستهای تنبیهی، همانند اقدامات آمریکا، خودداری کردند.

ناهماهنگی در واکنش جامعه بین المللی، توازن داخلی را به نفع انجام آزمایش اتمی تلافی جویانه تغییر داد. در واقع سیاستگذاران پاکستانی هزینه های انجام آزمایش را چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی به صرفه می دانستند. البته آنها از عدم موفقیت در انجام

* Strob Tallbott

** Glenn Amendment

آن هراس داشتند، چرا که این امر می توانست منافع حیاتی آنها را خصوصاً در مسئله کشمیر شدیداً تضعیف کند. به دنبال انجام آزمایشات اتمی هندوستان، وزیر کشور حزب بهاراتیا جاناتا (BJP)، به پاکستان اخطار داد که اگر این کشور به مداخله خود در امور کشمیر ادامه دهد، این مسئله عواقب گرانی برای پاکستان به همراه خواهد داشت. او همچنین اظهار داشت که آزمایشات اتمی هندوستان، کیفیت روابط دو کشور را وارد مرحله جدیدی کرده است.^{۳۵}

با این همه عامل نهایی در جهت انجام آزمایشات از سوی پاکستان، مسئله حیثیت بود. به دنبال آزمایشات هندوستان، «واجپایی» نخست وزیر هند از جامعه بین المللی خواست که هندوستان را در جمع باشگاه انحصاری تسلیحات اتمی بپذیرند. بنابراین برای مقامات پاکستانی، خصوصاً ارتش، داشتن منزلت اتمی کمتر از هندوستان غیر قابل تصور بود. البته افکار عمومی نیز به نفع انجام آزمایشات اتمی تغییر جهت داد. به دنبال این تحولات پاکستان در ۲۸ و ۳۰ می ۱۹۹۸، بمب اتمی خود را در منطقه بلوچستان منفجر کرد و بلافاصله اعلام داشت که انفجار اتمی این کشور با موفقیت انجام شده است. پس از انجام آزمایشات، نواز شریف اعلام کرد: «امروز با انفجار ۵ بمب اتمی با هندوستان تسویه حساب کردیم»، او اضافه کرد: «ما آنها را به عقب راندیم».^{۳۶}

مقامات دولتی پاکستان با توجه به نگرانی از احتمال واکنش منفی جامعه بین المللی از بازیگران مهم خارجی، خصوصاً ایالات متحده، درخواست کردند تا واقعیت نیازهای امنیتی پاکستان را درک کنند. آنها تأکید کردند که پاکستان به منظور برقراری عدم تعادل ایجاد شده، مجبور به انجام این آزمایشات شده است. آنها همچنین با امید فرونشاندن فشارهای بین المللی و حتی با فرض خوشبینانه ای، به منظور دستیابی به برخی اهرم های سیاسی نسبت به هندوستان در منازعه کشمیر، تأکید کردند که وضعیت آشکار تسلیحات اتمی دو کشور، ابعاد منازعات بین دو کشور را افزایش داده، به نحوی که در حال حاضر جنبه اتمی نیز به خود گرفته است.^{۳۷}

با این وجود، واکنش تلافی جویانه پاکستان، نگرانیهای بین المللی را نسبت به خطرات

رقابت تسلیحات اتمی بین دو کشور، افزایش داد. در ۶ ژوئن، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا، آزمایشات اتمی دو کشور را محکوم کرد. به دنبال آن وزیرای خارجه ۵ عضو دائمی شورای امنیت در ژنو، به اتفاق آراء این اقدام را محکوم کرده و از دو کشور خواستند تا در ساخت و به کارگیری تسلیحات اتمی و همچنین توسعه و پیشرفت سیستم های پرتاب موشکی محدودیتهایی اعمال کنند. به علاوه، پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و کشورهای عضو گروه ۸- و جامعه اروپایی از دو کشور خواستند تا به قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی بپیوندند و مقررات آنرا بدون هیچ گونه قید و شرطی امضاء کنند.

در مقابل پاکستان اعتراضات بین المللی را به عنوان عملی تبعیض آمیز و غیرمنصفانه، رد کرد. با این همه با توجه به شرایط به وجود آمده، این کشور با تحریمهای دشوار اقتصادی روبرو شد. به همین خاطر هدف فوری سیاستگذاران پاکستانی به حداقل رساندن تأثیرات منفی تحریمها بر اقتصاد ضعیف این کشور در جهتی بود که برنامه تسلیحات اتمی این کشور را به مخاطره نیاندازد. فرض مقامات پاکستان در انجام این آزمایشات بر این اساس بود که تحریمهای اقتصادی در شرایط عدم وجود اتفاق نظر بین المللی در انجام اقدامات تنبیهی، تأثیرات منفی چندانی نخواهد داشت. همچنین مقامات پاکستانی تصویری کردند که متحدین این کشور، از جمله چین و کشورهای مسلمان خاورمیانه به پاکستان در جهت ایستادگی و پایداری در برابر انزوای سیاسی و فشارهای اقتصادی کمک خواهند کرد. اما به طور کلی، تحریمهای اعمال شده، به طور جدی اقتصاد ضعیف و شکننده پاکستان را که در نتیجه دهه های طولانی سوءمدیریت و بی ثباتی سیاسی در وضعیت دشواری قرار داشت - بی ثبات کرد.

تحریم های ایالات متحده تحت قانون «گلن» که شامل مخالفت با اعطای کمک ها و اعتبارات بشردوستانه به پاکستان از سوی مؤسسات مالی بین المللی، همچون بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه آسیایی بود، به این کشور تحمیل شد. همچنین ژاپن به عنوان بزرگترین اعطاکنده کمک ها و عمده ترین شریک تجاری پاکستان، تحریمهای اقتصادی بر ضد پاکستان اعمال کرد. بنابراین تحت قوانین پیشنهادی آمریکا و حمایت ژاپنیاها،

یک استراتژی هماهنگ تنبیهی بین المللی علیه پاکستان به وجود آمد. در ژوئن ۱۹۹۸، کشورهای گروه-۸، تصمیم گرفتند تا کمکهای بشردوستانه سازمانهای پولی بین المللی به دو کشور پاکستان و هندوستان را به تعویق اندازند. به علاوه وزرای خارجه جامعه اروپایی توصیه کردند که کمک ها و وام های غیربشردوستانه به دو کشور نیز به تأخیر بیافتد و حتی اخطار دادند که اگر دو کشور از پیشرفت رقابتهای تسلیحاتی اتمی خود دست نکشند و در عمل آنرا به اثبات نرسانند، روش های تنبیهی شدیدتری علیه این دو کشور به کار خواهند گرفت.

طبق اظهارات وزیر امور مالی و اقتصادی پاکستان، تحریم های اعمال شده علیه این کشور هزینه سالانه ای معادل ۱٫۵ میلیارد دلار در کمک ها و بخشش های ترجیحی و ۲٫۵ میلیارد دلار در سرمایه گذاریها و پرداختهای خارجی، در بردارد. با این وجود، تأثیر تحریمها خیلی بیشتر بود. در اولین روز تجاری بعد از انجام آزمایشات اتمی، بازار بورس کراچی سقوط کرد و بیش از ۴ میلیارد دلار از ارزش آن کاسته شد. سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی رو به تنزل نهادند و ارزش روپیه پاکستان به طور قابل ملاحظه ای تضعیف گردید. همچنین با تلاشهای دولت در جهت پر کردن خلاء کمبود درآمد داخلی و خارجی از طریق افزایش قیمت و تحمیل مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم اضافی، تورم افزایش یافت. کمبود ارز خارجی، تضمین سرمایه گذاریها را کاهش داد و منجر به کمبود شدید در پرداختهای خارجی شد.

در واقع از دهه ۱۹۸۰، پاکستان از جریان ورود ارزهای خارجی، شامل اعتبارات و کمک های سازمانهای چند ملیتی به منظور تأمین اعتبار و کمبود درآمد ارزی، استفاده می کرد که این امر به نوبه خود منجر به رشد بدهی های خارجی این کشور شده است. برای پرداخت این بدهی ها و برای خرید کالاهای اساسی همچون سوخت و غذا، پاکستان شدیداً به اعتبارات و کمک های سازمانهای مالی بین المللی و ابسته است. بنابراین تصمیم صندوق بین المللی پول در به تعویق انداختن این پرداختها، منجر به کسری درآمد در پرداخت بدهی های این کشور شده است. چنانچه از نوامبر ۱۹۹۸، دولت پاکستان برای پرداخت ۳۲ میلیارد دلار بدهی خارجی، تنها ۵۰۰ میلیون دلار ذخایر ارز خارجی در اختیار داشته است.^{۳۸}

دولت پاکستان در تلاشی به منظور انحراف افکار عمومی داخلی از نتایج زیانبار آزمایشات اتمی، بر همبستگی ملی و رویارویی با تهدیدات و فشارهای خارجی تأکید کرد و تحریمهای بین‌المللی را به عنوان تلاشی در جهت تضعیف حاکمیت این کشور محکوم کرد. همچنین سعی کرد تا از طریق برنامه‌های حمایتی، همچون خوداتکایی مالی، در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند. اما در مجموع این تاکتیک‌ها به دلیل وضعیت بحرانی اقتصادی موفقیت‌آمیز نبودند. در نتیجه آزمایشات اتمی می‌۱۹۹۸ سبب شد تا اختلافات سیاسی در درون جامعه و منطقه و همچنین تنش‌های نژادی منطقه‌ای تشدید گردند. قبل از انجام آزمایشات، نوعی اتفاق نظر بین طبقات داخلی پاکستان در جهت دستیابی به توانایی تسلیحات اتمی برای مقابله با هندوستان وجود داشت. انجام آزمایشات و به دنبال آن تحمیل تحریمهای جامعه بین‌المللی، در ابتداء منجر به نوعی ملی‌گرایی و کنار گذاشتن اختلافات داخلی شد، اما بحرانی شدن اوضاع اقتصادی در نتیجه اعمال این تحریمها، منجر به تضاد و شکاف در درون جامعه گردید. همچنین در نتیجه انجام آزمایشات اتمی و ایجاد وضعیت اضطراری در درون کشور، حقوق مدنی شهروندان پاکستانی در اظهار عقیده یا ابراز مخالفت، دچار محدودیت‌هایی شد.

اعلامیه وضعیت اضطراری از سوی دولت، حتی ماهیت و مشروعیت حکومت را زیر سؤال برد. در بلوچستان که آزمایشهای اتمی در آن انجام شد، «حزب ملی بلوچستان»^{*}، حزب حاکم و دانشجویان افراطی طرفدار آن، از سیاستهای اتمی دولت به این جهت که منابع اندک جامعه به جای صرف در امور توسعه، صرف اهداف دفاعی می‌شود، انتقاد کردند. در ایالت سند و ایالت مرزی شمال غرب، اعلام وضعیت اضطراری از سوی دولت به منزله دست‌اندازی دیگری از سوی حکومت مرکزی (که تحت تسلط پنجابی‌ها است) بر خودمختاری این ایالت نگریسته شد. در واقع اعتراضات این ایالات علیه حکومت مرکزی منجر به ائتلافی میان رهبران سیاسی ایالت سند، ایالت مرزی شمال غرب و ایالت بلوچستان بر ضد حکومت مرکزی گردید که این امر به نوبه خود منجر به تحمیل مبارزات شدیدتری از سوی دولت مرکزی

*Baluchistan National Party (BNP)

علیه این ایالات و تحت فشار قراردادن اقتصادی آنها شد.

نتیجه گیری

رهبری پاکستان با آگاهی از فشارهای اقتصادی در نتیجه ادامه تحریمهای ایالات متحده و جامعه بین المللی و به دنبال آن معلق شدن وام های سازمانهای مالی بین المللی، ارزیابی مجددی در ادامه سیاست تسلیحات اتمی خود انجام داد. همچنین فرماندهی عالی ارتش، علی رغم عدم تمایل به برچیدن برنامه تسلیحات اتمی، از کمبود ابزارهای اقتصادی و تکنولوژیکی لازم جهت تکمیل برنامه تسلیحات اتمی و به کارگیری آنها آگاه بود. کمک های تکنولوژیکی و اقتصادی چین نیز به تنهایی فقط قادر بود بعضی از محدودیتهای اقتصادی پاکستان را برطرف کند. بنابراین برخلاف انتظار، چین به شکست انزوای سیاسی پاکستان کمک نکرد. برای دولت چین مسابقه تسلیحاتی آشکار بین دو کشور متخاصم در نزدیکی مرزهایش، منبع نگرانی بود. لذا این کشور کاملاً از قطعنامه های سازمان ملل متحد در جهت محکومیت آزمایشات اتمی از سوی دو کشور حمایت کرد و همگام با سایر اعضای جامعه بین المللی خصوصاً ایالات متحده، به تلاش های خود در جهت جلوگیری از ادامه رقابت تسلیحاتی ادامه داد. از سوی دیگر امیدهای پاکستان برای ایستادگی در برابر فشارهای بین المللی از طریق دریافت کمک هایی از سوی متحدین اش در خاورمیانه، خصوصاً عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی به یأس تبدیل شد. در واقع به استثنای یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از کویت، هیچ گونه کمک مهمی از سوی این کشورها به پاکستان داده نشد و حتی اخذ وام از سوی بانک بین المللی اسلامی نیز مشروط به موافقت صندوق بین المللی پول گردید.

به طور کلی با توجه به عدم تمایل پاکستان در کنار گذاشتن برنامه تسلیحاتی خود، این کشور استراتژی سه جانبه ای را با اهداف زیر دنبال می کند:

۱- کسب شناسایی بین المللی برای وضعیت جدید اتمی خود، جهت ورود به درجه

کشورهای اتمی؛

۲- تشویق تلاش های بین المللی به منظور جلوگیری از استقرار تسلیحات اتمی و سیستم های پرتاب آنها در منطقه آسیای جنوبی، به دلیل در اختیار نداشتن منابع اقتصادی و تکنولوژیکی لازم برای مقابله با برنامه اتمی هندوستان؛

۳- تلاش برای مجاب کردن بازیگران بین المللی، خصوصاً ایالات متحده، برای جایگزینی اعمال تشویقی و انجام تعهدات مالی به جای اعمال تنبیهی. البته موفقیت در چنینی استراتژی بستگی به عوامل داخلی، منطقه ای و بین المللی خواهد داشت.

ایالات متحده با در نظر گرفتن ماهیت جدی بحران اقتصادی، برخی کمک های اقتصادی و نظامی و همچنین رفع بعضی از محدودیت های مالی را جهت تشویق پاکستان مطرح کرده است. در مقابل اعطای این کمکها و رفع محدودیتها، ایالات متحده از پاکستان درخواست می کند تا به قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی (NPT) پیوسته و متعهد به عدم به کار گیری تسلیحات اتمی و سیستم های پرتاب موشک و همین طور عدم انتقال تسلیحات اتمی و تکنولوژی وابسته به آن گردد. همچنین ایالات متحده خواستار الحاق پاکستان به قرارداد منع آزمایش همه جانبه (CTBT) شده است.

رهبران سیاسی پاکستان نیز به دلیل وابستگی شدید مالی به کمک ها و اعتبارات مؤسسات بین المللی در جهت پرداخت بدهیهای خارجی و نجات اقتصاد ورشکسته داخلی، متعهد به انجام این شرایط شده اند. اما مقامات ارتش با انجام این محدودیتها به دلایل امنیتی و حیثیتی مخالفت می کنند. لذا تضادهای داخلی موجود در ساختار قدرت پاکستان در انتخاب راه حل اتمی این کشور نقشی تعیین کننده دارد. در واقع اگر بحرانهای اقتصادی از کنترل خارج شوند، ارتش قادر به کنار زدن حکومتها خواهد بود.

البته تحریم های دوجانبه و چندجانبه اقتصادی به دلیل آن که با تشویق های محسوس همراه بودند، در پذیرش شرایط CTBT از سوی پاکستان مؤثر عمل کرده اند. بنابراین ترکیبی از اعمال تشویقی و اعمال تنبیهی در صورتی که هدفمند، انعطاف پذیر و چندجانبه باشند، می توانند این کشور را به سوی منع گسترش تسلیحات اتمی هدایت کنند. مضافاً که استراتژی منع گسترش تسلیحات اتمی باید در مسیری قرار گیرند که هم بر افکار عمومی و هم در جهت

مجاب کردند مقامات پاکستانی برای پذیرش آنها، تأثیرگذار باشند.

سیاست مؤثر منع گسترش تسلیحات اتمی باید بین عامه مردم و سیاستگذاران تمایز قائل شود. چرا که اعمال تحریمها که در دراز مدت اثربخش هستند، بیشتر بر بخش های ضعیف تر جامعه تأثیر می گذارند تا بر رفتار دولتمردان. در ساختار حکومتی پاکستان، اعمال تحریمهای بیشتر باید با هدف تأثیرگذاری بر رفتار مؤسسات و مقاماتی برنامه ریزی شوند که از راه حل تسلیحات اتمی حمایت می کنند. به عنوان مثال، محدودیتهای چندجانبه بر فروش تسلیحات متعارف، می تواند تشکیلات ارتش پاکستان را با هدف تضعیف و ایجاد محدودیتهای اقتصادی و ایجاد عدم تعادل نظامی برای مقابله با خطر هندوستان، مدنظر قرار دهد. هم زمان هدف تشویق ها می تواند شامل بخشش و چشم پوشی از قسمتی از بدهیهای زیاد خارجی این کشور در عوض پیشرفت محسوس به سوی منع گسترش تسلیحات اتمی باشد که در جهت پیشبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته می شود، نه در جهت اهداف نظامی. چنین اقداماتی گام بزرگی است که می تواند رأی هندگان داخلی را به سوی صلح هدایت کند. نهایتاً سیاست منع گسترش تسلیحات اتمی که بر اساس ایجاد تحریمها و تشویقها قرار دارد. نیازمند یک دوره مقدماتی است تا بر رفتار داخلی تأثیرگذار باشد. لذا باید دقت شود که چنین سیاستهایی از میانه راه کنار گذاشته نشوند. □

پاورقی‌ها:

1. "Prime Minister Links Pak-India Amity to Kashmir Solution", *News*, June 14, 1998.
- ۲- طبق اظهارات «مشاهد حسین» وزیر اطلاعات پاکستان، جامعه بین‌المللی اکنون قدرت پاکستان و هندوستان را به طور متساوی در نظر می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به:
- "N-Tests Elevated Pakistan's Political Stature: Mushahid", *News*, June 26, 1998. See also: Sandy Gordon, "Capping South Asia's Nuclear Weapons Program: A Window of Opportunity?", *Asian Survey*, Vol. 34, No. 7 (July 1994), p. 667.
3. Marina Babar, "Pakistan Faces Engineered Default, Dartells NA", *News*, Sept. 9, 1998.
- ۴- در اواسط دهه ۱۹۵۰، پاکستان تحت حمایت و پشتیبانی ایالات متحده به عضویت پیمان آسیای جنوب شرقی و همچنین پیمان بغداد درآمد.
5. Yunas Samad, "The Military and Democracy in Pakistan", *Contemporary South Asia*, Vol. 3, No. 3 (Fall 1994), p. 19.
6. Zafar Iqbal Cheema, "Pakistan's Nuclear Policies: Attitudes and Postures", in: P. R. Chari, Parvaiz Iqbal Cheema, and Iftekharruzaman, eds., *Nuclear NonProliferation in India and Pakistan South Asian Perspectives*, (New Delhi: Monohar, 1996), p. 10.
7. See: Leonard S. Spector, *Nuclear Proliferation Today*, Cambridge, Mass.: Ballinger, 1984, p. 34.
8. *Ibid.*, pp. 75-76.
9. *Ibid.*, p. 79.
10. Zulfikar Ali Bhutto, *If I Am Assassinated...*, (New Delhi: Vikas, 1979), pp. 137-138.
- ۱۱- بوتو ادعا کرد که هنری کیسینجر او را تهدید کرده بود که اگر از برنامه تسلیحات اتمی چشم‌پوشی نکند، اقدامات تنبیهی سختی در انتظار او خواهد بود. در این زمینه بنگرید به:
- Stanley Wolpert, *Zulfi Bhutto of Pakistan: His Life and Times*, Oxford University Press, 1993, p. 273.
13. Akhtar Ali, *Pakistan's Nuclear Dilemma: Energy and Security Dimensions*, (Karachi Economic Reserch Unit, 1984), p. 10. See Also: Mitchell Reiss, "Safeguarding the Nuclear Peace in South Asia Survey, Vol. 33, No. 12 (December 1993), pp. 1110-1111.

۱۴- در این زمینه سرویس های جاسوسی آمریکا معتقد بودند که پاکستان مواد گریدهای تسلیحاتی را به دست آورده و حتی بعضی از عناصر آنرا در جهت به کارگیری در بمب اتمی در سال ۱۹۸۶ آزمایش کرده بود. در این زمینه بنگرید به:

- Leonard S. Spector With Jacqueline R. Smith, *Nuclear Ambitions: the Spread of Nuclear Weapons, 1989-1990*, Boulder, Colo.: Westview, 1990, pp. 95-99.

۱۵- عبدالقادر خان در مصاحبه ای با یکی از روزنامه های اردو زبان پاکستانی، اظهار داشت که پاکستان قادر به غنی سازی مؤثر گریدهای تسلیحاتی اورانیوم، می باشد. در این زمینه بنگرید به:

- Spector, *Nuclear Proliferation today*, pp. 98-99.

16. Ali, *Pakistan's Nuclear Dilemma*, p. 62.

۱۷- عبدالقادر خان در مصاحبه ای با خبرنگار هندی، فاش کرد که پاکستان توانایی ساخت یک بمب اتمی را دارد. در این زمینه بنگرید به:

- K. Nayyar, "Pakistan Has the Bomb", *Tribune*, March 1, 1987.

18. See: Samad, "The Military and Democracy", pp. 194-195.

19. General Mirza Aslam Beg (ret.), "Who Will Press the Button?", *News*, April 23, 1994.

20. Spector, *Nuclear Ambitions*, pp. 100-101, 107.

21. Reiss, "Safeguarding the Nuclear Peace in South Asia", p. 1111.

22. Zahid Hussain, "Deliberate Nuclear Ambiguity", in: Samia Ahmad and David Cortright, *Pakistan and the Bomb: Public Opinion and Nuclear Options*, Notre Dame, Ind.: University of Notre Dame Press, 1998, pp. 38-34.

23. "Special Rack Fitted F-16s Heading for Arifields", *Patriot*, May 26, 1990.

24. Samia Ahmed and David Cortright, "Pakistan Public Opinion and Nuclear Weapons Policy", in: Ahmed and Cortright, *Pakistan and the Bomb*, pp. 3-4.

25. Hussain, "Deliberate Nuclear Ambiguity", p. 40.

26. Zahid Hussain, "Carrot Talk", *Newsline*, (April, 1994), p. 26.

۲۷- با این وجود، کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از اعطای امتیازات دیگری به ارتش پاکستان خودداری کرد.

28. "Pakistan Wants Good Ties With India", *Frontier Post*, June, 9, 1997.

29. See: Savita Parada, "The Nuclear Option", *Pioneer*, February 17, 1998.

۳۰- دولت پاکستان مکرراً گزارشات مطبوعات مختلف را مبنی بر این که این کشور در تجهیز موشک «قاری» از تکنولوژی کره شمالی استفاده کرده است، تکذیب نمود.

31. "Days of Dialogue", *Indian Express*, May 1, 1998.

32. Zahid Hussain, "The Bomb and After", *Newsline*, (June 1998), p. 23.

33. Zahid Hussain, "Laying the Groundwork", *Newsline*, (June 1998), p. 240.

34. Michael Hirsh and John Barry, "Nuclear Jitters", *Newsweek*, June 8, 1998, p. 16.

35. "Advani Flexes Nuclear Muscle in Kashmir", *Telegraph*, May 14, 1998.

36. Hussain, "The Bomb and After", p. 22.

۳۷- ایوب خان وزیر امور خارجه با درخواست از جامعه بین المللی مبنی بر یافتن راه حلی برای مسئله کشمیر، همچنین اخطار داد که در فضای بی اعتمادی و سوءظن بین دو کشور، امکان برخورد اتمی وجود دارد. در این زمینه بنگرید به:

- Anwar Iqbal, "Pakistan yet to React to U. S. Sanctions", *News*, June 20, 1998.

38. "Sartaj Sees IMF Pact after Easing of Sanctions", *News*, Nov. 8. 1998.